



رابطه کیفیت حسابرسی و ارتباط با ارزش سود و ارزش دفتری سرمایه با نگاهی بر رتبه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار تهران

دکتر شهناز مشایخ^۱ ©

دانشیار دانشگاه الزهراء، ایران

زهرا شمس^۲

دانشجوی دکتری دانشگاه الزهراء، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۲ دی ۱۳۹۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۰ خرداد ۱۳۹۵)

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین کیفیت کار حسابرسی و ارتباط با ارزش ارقام حسابداری نظیر سود و ارزش دفتری سرمایه است. به این منظور ارتباط با ارزش سود و ارزش دفتری سرمایه شرکت‌هایی که توسط حسابرسان معتمد بورس (دارای رتبه الف در رتبه بندی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران) حسابرسی می‌شوند و سایر شرکت‌ها مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در این راستا از دو نمونه مجزا استفاده شده است. نمونه اول شامل ۱۱۰ شرکت که توسط مؤسسات رتبه الف و نمونه دوم شامل ۸۲ شرکت که توسط سایر مؤسسات معتمد بورس حسابرسی می‌شوند. نتایج بیانگر آن است که اعلام سود و ارزش دفتری سرمایه در خصوص شرکت‌هایی که توسط شرکت‌های معتمد بورس مورد حسابرسی واقع می‌شوند، نسبت به سایر شرکت‌ها، نوسان بیشتری در بازده سهام آن‌ها ایجاد می‌کند. در نتیجه اطلاعات مربوط به سود و ارزش دفتری سرمایه در خصوص شرکت‌هایی که کیفیت حسابرسی بالاتری دارند، ارتباط با ارزش بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارا می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که انجام حسابرسی توسط مؤسسات رتبه الف موجب افزایش ارتباط با ارزش شرکت‌ها می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: حسابرسی، ارتباط با ارزش، سود، سرمایه، بازار سرمایه.

¹ sh.mashayekh@alzahra.ac.ir

² shams_z99@yahoo.com

مقدمه

ارتباط با ارزش، که اثر ترکیبی مربوط بودن^۱ و قابلیت اتکاست^۲، یکی از موضوعات با اهمیت دو دهه اخیر در تحقیقات بازار سرمایه مبتنی بر حسابداری است. تحقیقات مرتبط نیز ارزش شرکت را به‌عنوان معیاری می‌دانند که خلاصه‌شده اطلاعات حسابداری^۳ است [۲۳]. حسابرسی به‌عنوان پیوند و مکانیزم نظارتی عمل می‌کند که با ایجاد تقارن اطلاعاتی بین طرفین دارای منافع، هزینه نمایندگی را کاهش می‌دهد [۳۵]. اثربخشی حسابرسی به توانایی حسابرسان در محدود کردن رفتارهای فرصت‌طلبانه در جهت دستکاری سود بستگی دارد. زیرا کشف روش‌های حسابداری نادرست توسط حسابرسان باکیفیت بالاتر، محتمل‌تر است [۳۴]. هدف این پژوهش بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و ارتباط با ارزش سود و ارزش دفتری سرمایه می‌باشد. کیفیت حسابرسی بالاتر می‌تواند منجر به افزایش مربوط بودن و قابلیت اتکای صورت‌های مالی شود و بنابراین، به بهبود ارتباط با ارزش اطلاعات صورت‌های مالی بیانجامد.

موضوع ارتباط با ارزش برای استفاده‌کنندگان اطلاعات، از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا استفاده‌کنندگان بر اساس تمامی اطلاعات در دسترس به قضاوت و تصمیم‌گیری می‌پردازند. اطلاعات حسابداری سودمند، اطلاعاتی است که به طور همزمان ویژگی‌های مربوط بودن و قابلیت اتکا را داشته باشد. هر دو این ویژگی‌ها به‌منظور تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان، ضروری و جدایی‌ناپذیر هستند. ارتباط با ارزش نیز منعکس‌کننده ترکیبی از این دو ویژگی بنیادی است [۱۰]. صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان باکیفیت، منجر به افزایش مربوط بودن اطلاعات صورت‌های مالی می‌گردد [۶]. همچنین موجب افزایش قابلیت اتکای صورت‌های مالی برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی نیز می‌شود [۱۹]. بر این اساس سؤال اصلی تحقیق به این شرح است که آیا کیفیت حسابرسی روی ارتباط با ارزش اقلام خلاصه‌شده حسابداری نظیر سود و سرمایه اثر دارد و یا خیر؟

نتایج تحقیقات گذشته بیانگر وجود رابطه مثبت میان کیفیت کار حسابرسی و کیفیت اطلاعات حسابداری از دید استفاده‌کنندگان می‌باشند که در بخش بررسی پیشینه به آن‌ها پرداخته خواهد شد. بر اساس ادبیات موجود در این باره، این پژوهش به‌منظور گسترش ادبیات موجود، به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و ارتباط با ارزش اطلاعات حسابداری شامل سود و ارزش دفتری سرمایه می‌پردازد. که به این منظور، شاخص کیفیت حسابرسی، طبقه‌بندی سازمان بورس اوراق بهادار تهران از حسابرسان معتمد بورس استفاده شده است.

از آنجا که تاکنون تحقیقی که به رابطه همزمان دو ویژگی اطلاعات یعنی قابلیت اتکا و مربوط بودن به طور همزمان بپردازد، صورت نپذیرفته است. نوآوری تحقیق حاضر این است که با بررسی همزمان این دو ویژگی توسط بررسی ارتباط با ارزش اقلام حسابداری و کیفیت حسابرسی، در این زمینه مشارکت ایجاد نماید. همچنین با توجه به اینکه تحقیق حاضر از رتبه بندی بورس و اوراق بهادار برای تعیین کار

¹ Relevance

² Reliability

³ Summarized accounting measures

باکیفیت حسابرسی استفاده می‌کند، نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند بر نتایج کار رتبه‌بندی مذکور صحت‌گذار باشد.

بخش دوم این مقاله به‌مرور ادبیات و مبانی نظری موضوع می‌پردازد. بخش سوم به طرح تحقیق و بخش چهارم به تحلیل نتایج تجربی و بخش پنجم نیز به نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص داده شده است.

مرور پیشینه و مبانی نظری تحقیق

ادبیات موضوع، شامل مطالعات مرتبط باکیفیت حسابرسی، ارتباط با ارزش سود و ارزش دفتری سرمایه و ارتباط بین کیفیت حسابرسی و اطلاعات حسابداری می‌باشد.

دی آنجلو (۱۹۸۱) بیان می‌دارد که کیفیت حسابرسی به طور مستقیم با اندازه موسسه حسابرسی در ارتباط است، زیرا حسابرسانی که مشتریان بیشتری دارند، دارای ریسک شکست بالاتری نیز می‌باشند. زیرا در صورت بروز شرایطی که منجر به خدشه‌دار شدن شهرت آن‌ها شود، مشتریان بیشتری را از دست می‌دهند. به همین منظور بسیاری از تحقیقات از معیار اندازه، به‌عنوان شاخص کیفیت حسابرسی استفاده نموده‌اند [۱۶]. هیلی و لایس^۱ (۱۹۸۶) نشان دادند که شهرت و نام تجاری^۲ موجب می‌شود تا مشتری‌ها بتوانند به کیفیت خاصی در قراردادهای حسابرسی خود دست یابند و استفاده‌کنندگان اطلاعات نیز نهایتاً بتوانند از اطلاعات مربوط با هزینه کمتر بهره‌برند [۲۲]. همچنین پالمروس^۳ (۱۹۸۸) به این نتیجه رسید که حسابرسانی که درجه بالاتری از اطمینان را ابراز می‌دارند، انگیزه‌های قوی‌تری برای کاهش احتمال شکست در حسابرسی که می‌تواند به شهرت آن‌ها ضرب بزند را دارند. بنابراین بیان می‌دارد که تعداد کمتر دعاوی حقوقی نسبت به یک حسابرس می‌تواند نشان‌دهنده سطح اطمینان بالاتر و البته کیفیت حسابرسی بالاتر نیز باشد. از آنجا که قضاوت حسابرسی تحت تأثیر دانش، توانایی، محیط و انگیزه قرار می‌گیرد، حسابرسان با کیفیت‌های حسابرسی مختلف، در انجام سطوح مختلف حسابرسی، قضاوت‌های متفاوتی را به کار می‌گیرند که به‌صورت‌های مالی حسابرسی شده با درجات کیفیت متفاوت می‌انجامد [۲۹]. بنابراین، فرض بر این است که مؤسسات بزرگ حسابرسی، به سبب داشتن شهرت، ریسک بالای شکست و دارا بودن انگیزه‌های بالاتر، کیفیت حسابرسی بالاتری را ارائه می‌دهند.

از سال ۱۹۹۰ تحقیقات بسیاری ارتباط بین اقلام حسابداری و ارزش شرکت را موردبررسی قرار داده‌اند. هولتاسن و واتس^۴ (۲۰۰۱) مرور ارزشمندی در این خصوص دارند که در آن ادبیات ارتباط با ارزش را به سه دسته تقسیم می‌کنند که عبارت‌اند از: الف) تحقیقات همبستگی نسبی^۵: این تحقیقات به مقایسه ارزش بازار سهام و اقلام خلاصه‌شده حسابداری می‌پردازند. ب) تحقیقات همبستگی افزایشی^۶: این

^۱ Healy and Lys

^۲ Brand

^۳ Palmrose

^۴ Holthausen and Watts

^۵ Relative association studies

^۶ Incremental association studies

تحقیقات به تحلیل این موضوع می‌پردازند که آیا اقلام حسابداری می‌توانند به توضیح بازده سهام یا ارزش سهام کمک کنند یا خیر. ج) تحقیقات محتوای اطلاعاتی نهایی^۱: این تحقیقات به بررسی این موضوع می‌پردازند که آیا اقلام حسابداری در مجموعه اطلاعات در دسترس سهامداران قرار دارد یا خیر؟ معمولاً برای تعیین اینکه آیا اطلاعات حسابداری منتشر شده بر قیمت سهام اثر دارد از تحقیقات رویدادی استفاده می‌شود. در این تحقیقات معناداری پاسخ قیمت سهام به انتشار اطلاعات شواهدی از ارتباط با ارزش بدست می‌دهد.

شواهد اولیه نشان‌دهنده آن است که اقلام خلاصه‌شده حسابداری مثل سود یا ارزش دفتری، به طور معناداری با قیمت سهام و یا تغییرات قیمت سهام همبسته هستند [۱۹]. برخی تحقیقات نیز دریافته‌اند که ارتباط با ارزش سود و ارزش دفتری به‌مرور زمان کاهش یافته است [۳۳، ۲۷ و ۱۳] این در حالی است که سایرین چنین نظری ندارند. کالینز و همکاران (۱۹۹۷) نشان می‌دهند که ارتباط با ارزش سود و ارزش دفتری در ۴۰ سال گذشته افزایش یافته است. فرانسویس و شیپر (۱۹۹۹) نیز دریافته‌اند که ارتباط با ارزش سود کاهش پیدا کرده است. در حالی که ارتباط با ارزش دفتری سرمایه افزایش یافته است.

اگرچه بسیاری از تحقیقات منکر اثر اندازه بر ارزش بازار و ارقام حسابداری هستند، براون و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که اثر اندازه به بیش‌نمایی^۲ سطح ارتباط با ارزش اندازه‌گیری شده به‌وسیله ضریب تعیین (R²) در رگرسیون منجر می‌شود. آن‌ها پس از کنترل عامل اندازه در نمونه خود، کاهش ارتباط با ارزش سود و ارزش دفتری را گزارش نمودند. لو و لایس (۲۰۰۱) بین محتوای اطلاعاتی و ارتباط با ارزش تمایز قائل می‌شوند. به‌علاوه، آن‌ها بر اساس نتایج اولون (۱۹۹۵) سود تقسیمی را به قیمت سهام می‌افزایند تا بتوانند معادله استاندارد ارتباط با ارزش را بدست آورند. بعد از این تعدیلات، لو و لایس (۲۰۰۱) دریافتند که ارتباط با ارزش سود، ارزش دفتری و سود تقسیمی در طی ۲۸ سال کاهش یافته است. [۳۰]

بانکر و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که ارتباط با ارزش سود هم برای اهداف ارزشیابی و هم برای اهداف ارزیابی عملکرد مربوط است [۹]. بارتون و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که سود (سود هر سهم) بیش از رقم سود خالص ارتباط با ارزش دارد [۱۱]. همچنین بالاچاندران و موهانرام (۲۰۱۱) شواهدی در خصوص اینکه استفاده بیشتر از محافظه‌کاری به کاهش ارتباط با ارزش منجر می‌گردد، دست نیافتند [۷].

تحقیقات پیشین، ارتباط‌های معناداری بین کیفیت حسابرسی و عناصر مربوط بودن و قابلیت اتکا، کیفیت سود و یا کیفیت افشای اطلاعات یافته‌اند. با این حال شاید تاکنون تحقیقی به طور همزمان ارتباط کیفیت حسابرسی را با ویژگی‌های اطلاعات مورد سوال قرار نداده است. گفته می‌شود که حسابرسی اطلاعات توسط شرکت‌های بزرگ‌تر و مشهورتر مانند ۴ شرکت بزرگ حسابرسی در دنیا^۳

¹ Marginal information content studies

² Overstatement

³ Big4

می‌تواند کیفیت بالاتری را برای اطلاعات مالی به همراه داشته باشد و قابلیت پیش‌بینی توسط آن‌ها را افزایش دهد. برای مثال بن^۱ و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که ۵ شرکت بزرگ حسابرسی، دقت بیشتر و پراکندگی کمتری در پیش‌بینی سود توسط تحلیلگران ایجاد می‌کنند [۶]. کریشنان (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که حسابرسی توسط شرکت‌های بزرگ‌تر و مشهورتر انعکاس به‌موقع‌تری از زیانهای آتی را در اختیار مشتریان قرار می‌دهد [۲۵].

همچنین حسابرسی توسط شرکت‌های بزرگ‌تر، می‌تواند به اطلاعات قابل‌اتکاتر نیز منجر گردد. در واقع کیفیت بالاتر حسابرسی به اطمینان بیشتر صورت‌های مالی منجر می‌گردد و می‌تواند این اطمینان را برای مشتریان به همراه آورد که اطلاعات مالی شرکت به سمت منافع مدیریت، سوپه دار نشده است. برای مثال کینی و مارتین (۱۹۹۴) دریافتند که خطا و سوپه در سود خالص و خالص دارایی‌ها در زمانی که حسابرسی یکی از شرکت‌های بزرگ حسابرسی است، بسیار کم و محدود است [۲۴]. فرانسویس و همکاران (۱۹۹۹) بیان کردند که شرکت‌هایی که دارای اقلام تعهدی بیشتری هستند، تمایل بیشتری به استخدام حسابرسان باکیفیت‌تر دارند تا بتوانند سیگنال‌های معتبری را به افراد برون‌سازمانی ارسال نمایند. همچنین آن‌ها بیان کردند که کیفیت بالای حسابرسی می‌تواند موجب ایجاد محدودیت برای رفتارهای فرصت‌طلبانه در خصوص اقلام تعهدی گردد [۲۰].

در کشور ما نیز تحقیقات متعددی پیرامون کیفیت حسابداری صورت گرفته است. برخی از این تحقیقات به عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی و برخی دیگر به اثرات کیفیت حسابرسی بر سایر متغیرها پرداخته‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به کار مجتهد زاده و آقای (۱۳۸۳) اشاره کرد که بررسی عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی پرداخته‌اند. در این تحقیق که به صورت پرسشنامه‌ای صورت پذیرفته است، بر ۲۴ عامل به عنوان عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی تاکید بیشتری شده است که از جمله آن‌ها سابقه کاری، آموزش و شهرت و پاسخ‌گویی را می‌توان نام برد. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که عامل پاسخ‌گویی از دید حسابرسان و عامل آموزش حین خدمت از دید استفاده‌کنندگان بالاترین سطح اهمیت را دارا می‌باشند [۳].

تحقیق دیگری که در سال ۱۳۹۰ توسط نمازی و همکاران انجام شد، دوره تصدی حسابرسی و شهرت و اندازه موسسه از جمله عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده‌اند. در این تحقیق که ارتباط کیفیت حسابرسی با مدیریت سود بررسی شده است، نتایج بیانگر آن است که در موسسات بزرگ‌تر مدیریت سود بیشتری صورت می‌پذیرد [۴]. کار آن‌ها به دنبال کار حساس یگانه و همکاران در سال ۱۳۸۹ که بیانگر رابطه معکوس بین اندازه و کیفیت حسابرسی است، نتایج همراستایی دارد [۲]. این در حالی است که هشی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر را نشان دادند. این نتایج همچنین با نتایج تحقیق آذین فر نیز هماهنگی دارد [۵]. مشابه آنچه پیشتر گفته شد عوامل متعددی از جمله تخصص موسسه حسابرسی،

¹ Behn

دوره تصدی حسابرسی در کنار اندازه موسسه مورد آزمون قرار گرفته اند که گاهی به سبب نمونه با بازه های زمانی مختلف نتایج متفاوتی را به همراه داشته اند [۱].

بر اساس آنچه در بالا گفته شد، برخی تحقیقات، رابطه مثبتی بین کیفیت حسابرسی و کیفیت ارقام حسابداری (مثل مربوط بودن و قابلیت اتکا) یافته‌اند. اگرچه کیفیت حسابرسی برای استفاده‌کنندگان سودمندی بیشتری دارد. برای مثال، اطلاعات قابل فهم برای استفاده‌کنندگان می‌تواند به تصمیمات بهتر برای آن‌ها منجر شود. برای آنکه اطلاعات قابل فهم باشند، می‌بایست تمامی ویژگی‌های کیفی که توسط چارچوب نظری گزارش‌گری مالی در نظر گرفته شده را دارا باشند. بنابراین، بر اساس ادبیات گذشته، با در نظر گرفتن نقش مثبت کیفیت حسابرسی در کیفیت گزارش‌گری مالی، این تحقیق در نظر دارد تا ارتباط با ارزش سود و ارزش دفتری سرمایه‌های شرکت‌هایی که توسط شرکت‌های باکیفیت‌تر حسابرسی شده‌اند را با سایر شرکت‌ها مورد مقایسه قرار دهد. به این معنا که انتظار می‌رود اعلام سود و ارزش دفتری شرکت‌هایی که کیفیت حسابرسی بالاتری دارند نسبت به سایر شرکت‌ها، تغییرات بیشتری در ارزش سهام، ایجاد کند و پیش‌بینی می‌شود که رابطه مثبتی بین کیفیت حسابرسی و ارتباط با ارزش ارقام حسابداری یافت شود. در بخش بعد طرح تحقیق تشریح خواهد شد.

روش تحقیق

مدل تجربی

ارزش سرمایه شرکت، می‌تواند بر اساس معادله سود و ارزش دفتری سرمایه بیان شود [۳۱]. بر اساس تحقیق براون و همکاران (۱۹۹۹)، در خصوص اثر اندازه^۱، برای خنثی کردن اثر اندازه، تمامی متغیرها بر قیمت سهام در ابتدای دوره تقسیم می‌شوند $(P_{i,t-1})$ [۱۲]. همچنین بر اساس تحقیق لو و لایس (۲۰۰۱) اثر سود تقسیمی بر متغیر وابسته نیز در نظر گرفته می‌شود [۳۰]. بر این اساس با پیروی از کالینز و همکاران (۱۹۹۷)، فرانسویس و شیپر (۱۹۹۹)، براون و همکاران (۱۹۹۹)، و لو و لایس (۲۰۰۱) از مدل استاندارد ارتباط با ارزش که شامل سود و ارزش دفتری است، استفاده می‌شود. همچنین به پیروی از لو و لایس (۲۰۰۱) و اولسون (۱۹۹۵)، در این مقاله، اثر سود تقسیمی بر قیمت سهام نیز مدنظر قرار خواهد گرفت. پس با فرض اینکه قیمت سهام بهترین و در دسترس‌ترین برآورد کننده از ارزش شرکت است، مدل زیر، مدل استاندارد ارتباط با ارزش خواهد بود که به منظور تحلیل رابطه بین سود و ارزش دفتری و ارزش شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مدل (معادله شماره ۴) به شرح زیر خواهد بود:

$$R_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{E_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \varepsilon_{1,i,t} \quad \text{معادله شماره (۱)}$$

$$\frac{P_{i,t}}{P_{i,t-1}} = R_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \frac{BV_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \varepsilon_{2,i,t} \quad \text{معادله شماره (۲)}$$

¹ Scale effect

$$R_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 \frac{E_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \gamma_2 \frac{BV_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \varepsilon_{3,i,t} \quad \text{معادله شماره (۳)}$$

$$R_{i,t} = \lambda_0 + \lambda_1 \frac{E_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \lambda_2 \frac{BV_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \lambda_3 \frac{D_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \varepsilon_{3,i,t} \quad \text{معادله شماره (۴)}$$

که در آن:

R_t عبارت است از، شاخص بازده قیمتی سهام در دوره E_t, t برابر است با سود هر سهم در دوره BV_t, t برابر است با ارزش دفتری سرمایه به ازای هر سهم در دوره t و D_t نیز برابر است با سود نقدی در دوره t .

برخی تحقیقات همبستگی نسبی ارتباط با ارزش، از ضریب تعیین (R^2) رگرسیون "قیمت سهام یا بازده" و "سود و ارزش دفتری سرمایه" برای ارزیابی ارتباط با ارزش دو متغیر استفاده می‌کنند. برای مثال هریس و همکاران (۱۹۹۴)، کالینز و همکاران (۱۹۹۷)، بارث و همکاران (۱۹۹۸)، براون و همکاران (۱۹۹۹)، فرانسیس و شیپر (۱۹۹۹)، کالینز همکاران (۱۹۹۹)، هالیوال^۱ و همکاران (۱۹۹۹) و لو و لایس (۲۰۰۱). ضریب تعیین بالاتر نشان‌دهنده این است که ارقام حسابداری ارتباط با ارزش بیشتری دارند [۲۳]. بنابراین، در این تحقیق نیز از این خط تحقیقات (همبستگی نسبی ارتباط با ارزش) استفاده می‌شود و مشاهدات بر اساس اینکه توسط شرکت‌های باکیفیت بالا حسابرسی می‌شوند یا خیر، به دو گروه تقسیم می‌گردد.

به‌علاوه، به‌منظور مقایسه R^2 دو گروه نمونه (شامل شرکت‌هایی که حسابرسی باکیفیت دارند و سایر شرکت‌ها) از دو روش آزمون استفاده شده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. اول، بر اساس کار لو و زارووین (۱۹۹۹) هر دو نمونه را توسط یک مدل همراه با متغیر دامی (۰ و ۱) رگرسیون می‌کنیم که متغیر دامی را برای شرکت‌های باکیفیت حسابرسی بالا عدد (۱) و برای سایر شرکت‌ها صفر در نظر می‌گیریم. در اینجا معناداری ضریب رگرسیون نشان‌دهنده توانایی تغییر R^2 توسط کیفیت حسابرسی است. دوم، سپس آزمون t استیودنت انجام شده و بررسی می‌شود که آیا میانگین R^2 برای گروهی که توسط شرکت‌های بزرگ حسابرسی می‌شوند بزرگ‌تر است یا خیر؟ معناداری آزمون t استیودنت نشان‌دهنده آن است که سود و ارزش دفتری سرمایه شرکت‌هایی که توسط شرکت‌های باکیفیت‌تر حسابرسی می‌شوند، ارتباط با ارزش بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.

جمع‌آوری داده و نمونه آماری

منبع اصلی داده‌های استفاده شده در تحقیق حاضر اطلاعات و داده‌های برگرفته شده از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق و بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۲ می‌باشد. داده‌های جمع‌آوری شده شامل اطلاعات صورت‌های مالی و اطلاعات مربوط به ارزش سهام در بازار اوراق بهادار به طور مستقیم از صورت‌های مالی و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است. دلیل اصلی انتخاب داده برای دو سال این است که رتبه بندی سازمان بورس و اوراق بهادار از حسابرسان معتمد سازمان تنها

¹ Dhaliwal

برای دو سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ اعلام شده است. همچنین انتخاب مدل تحقیق با اعمال فیلترهای زیر از بین تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام پذیرفته است:

- جز شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری) نباشد.
 - از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ در بورس حضور داشته باشند.
 - شرکت بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - سال مالی آن‌ها به پایان اسفند ختم شود.
 - اطلاعات مورد نیاز شرکت در دسترس باشد.
 - ارزش دفتری سرمایه مثبت داشته باشد.
 - شرکت در سال‌های مذکور زیان ده نباشد (سود مثبت داشته باشد).
- بر اساس فیلترهای تعیین شده تعداد ۱۹۲ شرکت انتخاب گردید که به منظور انجام آزمون‌ها به دو نمونه تقسیم می‌شوند. نمونه اول با ۱۱۰ شرکت، شامل شرکت‌هایی که توسط مؤسسات رتبه الف حسابرسی می‌شوند و نمونه دوم با ۸۲ شرکت، شامل شرکت‌هایی که توسط سایر مؤسسات معتمد بورس حسابرسی می‌شوند.

تعریف عملیاتی متغیرها

P_t به عنوان قیمت سهام در دوره t در نظر گرفته می‌شود که به صورت قیمت پایانی در هر دوره تعریف می‌گردد.

E_t یا همان سود هر سهم سود تعلق گرفته به هر سهم می‌باشد که می‌بایست بر اساس سود تقسیمی و تجزیه سهام (افزایش سرمایه) تعدیل شود.

BV_t در دوره t در واقع ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان دوره به ازای هر سهم می‌باشد که از طریق تقسیم کل ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر تعداد سهام محاسبه می‌گردد.

D_t برابر است با سود نقدی در دوره t .

* تمامی اقلام حسابداری به وسیله قیمت پایانی سهام در پایان دوره قبل تعدیل شده و همگی به ازای هر سهم محاسبه شده‌اند.

نتایج پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل شاخص بازده قیمتی، سود هر سهم، ارزش دفتری و سود تقسیمی می‌باشد که به تفکیک نمونه‌های مورد استفاده در جدول زیر نمایش داده شده است:

| آمار توصیفی مربوط به نمونه شماره ۱ | | | | |
|------------------------------------|------|------|------|------|
| شرح | DPS | BV | EPS | RI |
| میانگین | ۰.۱۶ | ۰.۵۳ | ۰.۱۰ | ۱.۷۱ |
| میانه | ۰.۱۳ | ۰.۵۸ | ۰.۱۸ | ۱.۲۶ |
| بیشینه | ۰.۹۳ | ۳.۷۳ | ۱.۳۴ | ۹.۰۶ |
| کمینه | ۰.۰۰ | ۰.۰۲ | ۰.۰۰ | ۰.۲۱ |
| انحراف استاندارد | ۰.۱۷ | ۱.۱۶ | ۰.۶۱ | ۱.۰۷ |

| آمار توصیفی مربوط به نمونه شماره ۲ | | | | |
|------------------------------------|------|------|------|------|
| شرح | DPS | BV | EPS | RI |
| میانگین | ۰.۱۳ | ۰.۶۰ | ۰.۱۸ | ۱.۸۳ |
| میانه | ۰.۰۸ | ۰.۶۳ | ۰.۱۸ | ۱.۴۳ |
| بیشینه | ۰.۷۶ | ۳.۶۵ | ۰.۸۸ | ۸.۲۷ |
| کمینه | ۰.۰ | ۰.۰۷ | ۰.۰۰ | ۰.۲۷ |
| انحراف استاندارد | ۰.۱۴ | ۱.۱۱ | ۰.۲۷ | ۱.۰۴ |

در خصوص آمار توصیفی گفتنی است که تمامی متغیرها به وسیله قیمت پایانی سهام در پایان دوره قبل تعدیل شده و همگی به ازای هر سهم محاسبه شده‌اند. همچنین با توجه به حذف شرکتهای زیانده و دارای ارزش دفتری منفی ملاحظه می‌گردد که کمینه این متغیرها حدوداً یا خود صفر است.

آزمونهای آماری

در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی^۱ هر یک از مدل‌ها را آزمون می‌کنیم. ابتدا با استفاده از آزمون چاو^۲ مشخص می‌کنیم که داده‌ها به صورت تلفیقی^۳ مورد استفاده قرار گیرند و یا ترکیبی^۴. نتایج بیانگر استفاده داده‌ها به صورت تلفیقی هستند. سپس باید مشخص شود که داده‌ها اثرات ثابت دارند یا

^۱ EViews

^۲ Redundant Fixed Effect-Likelihood Ratio

^۳ panel

^۴ pool

متغیر. بدین منظور از آزمون هائمن^۱ استفاده می‌شود. که در نهایت برای تمامی داده‌ها نتیجه حاصل استفاده از اثرات تصادفی را نشان می‌دهد.

بر اساس کار شیپر (۱۹۹۹)، براون و همکاران (۱۹۹۹) و لو و لایس (۲۰۰۱) در این کار از مدل شماره ۴ که پیش‌تر ارائه شد، استفاده شده است. هولتاسن و واتس (۲۰۰۱) بیان کردند که برای بررسی ارتباط با ارزش می‌توان از ضریب تعیین رگرسیون (R²) استفاده نمود. بر این اساس در این پژوهش نیز به مقایسه ضریب تعیین رگرسیونهای حاصل از نمونه شرکتها با کیفیت حسابداری بالا (رتبه الف) و سایر شرکتها پرداخته شده است. به این منظور دو رگرسیون برای دو نمونه صورت می‌پذیرد که نتایج حاصل به شرح زیر است:

نمونه شماره (۱) شامل شرکتهایی است که توسط حسابرسان با رتبه الف حسابرسی می‌شوند. جدول زیر نشان دهنده نتایج آزمون می‌باشد:

| نتایج آزمون مدل با استفاده از نمونه شماره ۱ | | | |
|---|-------|-------------------|----------|
| متغیر | ضریب | آماره t استیودنت | معناداری |
| C | ۰.۸۷۲ | ۷.۷۲۳ | ۰.۰۰۰ |
| EPS | ۰.۴۶۲ | ۲.۷۲۰ | ۰.۰۰۷ |
| BV | ۰.۲۸۶ | ۳.۴۹۰ | ۰.۰۰۱ |
| DPS | ۴.۳۳۶ | ۹.۱۰۲ | ۰.۰۰۰ |
| R-squared | ۰.۳۱۷ | Durbin-Watson | ۲.۲۴۳ |
| Adjusted R-squared | ۰.۳۰۷ | Prob(F-statistic) | ۰ |

نمونه شماره (۲) شامل شرکتهایی است که توسط حسابرسان با رتبه الف حسابرسی نمی‌شوند. جدول زیر نشان دهنده نتایج آزمون می‌باشد:

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Hausman

| نتایج آزمون مدل با استفاده از نمونه شماره ۲ | | | |
|---|-------|-------------------|----------|
| متغیر | ضریب | آماره t استیودنت | معناداری |
| C | ۱.۴۳۸ | ۱۱.۳۷۷ | ۰.۰۰۰ |
| EPS | ۱.۳۴۴ | ۲.۴۲۰ | ۰.۰۱۷ |
| BV | ۰.۲۰۲ | ۱.۶۹۰ | ۰.۰۹۳ |
| DPS | ۲.۰۵۱ | ۲.۶۷۲ | ۰.۰۰۸ |
| R-squared | ۰.۱۶۱ | Durbin-Watson | ۲.۵۶۷ |
| Adjusted R-squared | ۰.۱۴۵ | Prob(F-statistic) | ۰.۰۰۰ |

تفسیر نتایج

همانطور که نتایج آزمونهای آماری نشان می‌دهد، آماره F نشان دهنده معناداری کلی مدل رگرسیون برازش شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. با توجه به R^2 مدل برازش شده می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل در نمونه اول ۳۱ درصد و نمونه دوم ۱۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

همچنین نتایج گویای آن است که متغیرهای سود هر سهم، سود تقسیمی و ارزش دفتری با قیمت هر سهم رابطه مثبت و معناداری دارا می‌باشند.

نکته قابل توجه که در این پژوهش مد نظر است این است که با وارد کردن داده‌های مربوط به شرکت‌هایی که از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردارند (نمونه شماره ۱)، ضریب تعیین رگرسیون بالاتر از حالتی است که داده‌های مربوط به سایر شرکتها (نمونه شماره ۲) وارد مدل می‌شود. به بیان دیگر رگرسیون اول ارتباط با ارزش بیشتری را نشان می‌دهد. اگر چه مقایسه ضرایب تعیین (۳۱ و ۱۶ درصد) بیانگر این موضوع است که اطلاعات مربوط به شرکت‌هایی که توسط مؤسسات رتبه الف حسابرسی می‌شوند، ارتباط با ارزش بالاتری دارند، برای بررسی آماری معناداری تفاوت بین R^2 ها، از آزمون Z ونگ استفاده می‌شود. این آزمون بررسی می‌کند که آیا از لحاظ آماری ضریب تعیین نمونه حسابرسی شده با مؤسسات رتبه الف بیش از سایر شرکتها می‌باشد یا خیر؟ به عبارت دیگر این آزمون با فرض صفر برابری R^2 ها، معناداری تفاوت آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج این آزمون با برآورد prob برابر با ۰/۰۴۸ منجر به رد فرض صفر مبنی بر برابری R^2 ها می‌باشد. در نتیجه تفاوت R^2 ها معنادار می‌باشد. نهایتاً این طور برداشت می‌شود که ضرایب تعیین دو نمونه تفاوت معناداری از یکدیگر دارند و ضریب تعیین نمونه ای که توسط حسابرسان رتبه الف حسابرسی شده اند، بالاتر می‌باشد.

نهایتاً می توان گفت که کیفیت حسابرسی با ارتباط با ارزش متغیرهایی چون سود و ارزش دفتری رابطه مستقیم دارد. این نتایج با نتایج تحقیق لی و لی^۱ (۲۰۱۳) که به مقایسه ارتباط با ارزش گزارشات چهار موسسه بزرگ حسابرسی^۲ و سایر شرکتها پرداخته اند، مطابقت دارد [۲۶].

نتیجه گیری و پیشنهادات

تحقیقات گذشته رابطه مثبتی را بین کیفیت حسابرسی و کیفیت اطلاعات مالی نشان داده اند. تحقیق حاضر به بیان ارتباط با ارزش ارقام حسابداری ارایه شده مثل سود و ارزش دفتری پرداخت. این تحقیق نام تجاری یا برند (شهرت به عنوان موسسه رتبه الف) را به عنوان پراکسی کیفیت حسابرسی در نظر می گیرد و به مقایسه اثر اطلاعات شرکتی که با مؤسسات با کیفیت تر حسابرسی می شوند و سایر شرکتها می پردازد.

شواهد بدست آمده گویای آن است که سود و ارزش دفتری سرمایه شرکتی که توسط شرکتی با کیفیت تر حسابرسی شده اند، بیشتر از سایر شرکتها توانایی توضیح تغییرات قیمت سهام را در بازار دارد. در نتیجه می توان نتیجه گرفت که بین کیفیت حسابرسی و ارزش دفتری سرمایه و سود رابطه مثبت وجود دارد.

این نتایج همچنین علیرغم نشان دادن رابطه بین کیفیت حسابرسی و ارتباط با ارزش ارقام حسابداری، می تواند مهر تاییدی بر ارزیابی های انجام شده در خصوص رتبه بندی های انجام گرفته سازمان بورس و اوراق بهادار باشد. نهایتاً این طور برداشت می شود که از آنجا که ارتباط با ارزش شرکتی حسابرسی شده با کیفیت بالا ارتباط با ارزش بیشتری دارند و بهتر می توانند به توضیح بازده پردازند، گزارش های مالی آنها نیز بیش از سایر گزارشات به پیش بینی آینده و تصمیم گیری کمک می کند. بر این اساس یکی از نقاط کلیدی برای تحقیقات آتی می تواند بررسی کیفیت حسابرسی و قابلیت پیش بینی قیمت سهام باشد. همچنین به منظور قوت بخشیدن به نتایج تحقیق، می توان در تحقیقات آتی متغیر های دیگری نظیر فرصت های رشد و ریسک را نیز وارد مدل کرد. این کار موجب بهبود R^2 می شود.

ضمناً با توجه به اینکه رتبه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد بورس در ۴ گروه الف، ب، ج و د صورت می پذیرد و در این تحقیق به منظور تعیین کیفیت بالای حسابرسی، مؤسسات رتبه الف در یک نمونه و سایر مؤسسات در گروه دیگر دسته بندی شده اند، تحقیقات بعدی می تواند به تفکیک هر یک از گروهها پرداخته و از هر زوج گروه به عنوان گروه های کنترل استفاده کنند. این کار موجب افزایش قدرت رابطه برآزش شده می گردد.

¹ Hsien-Li Lee and Hua Lee

² Big4

فهرست منابع

۱. احمدی، محمد رمضان، جمالی، کامران (۱۳۹۲). "تأثیر کیفیت حسابداری بر بازده آتی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **حسابداری و حسابداری**، دوره ۲۰، شماره ۷۴، صص ۱-۲۰.
۲. حساس یگانه، یحیی، آذین فر، کاوه (۱۳۸۹)، "رابطه بین کیفیت حسابداری و اندازه موسسه حسابداری"، **حسابداری و حسابداری**، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۵-۹۸.
۳. مجتهد زاده، ویدا، آقایی، پروین (۱۳۸۳). "عوامل موثر بر کیفیت حسابداری مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان"، **حسابداری و حسابداری**، شماره ۳۸، صص ۷۶-۵۳.
۴. نمازی، محمد، بایزیدی، انور؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **تحقیقات حسابداری و حسابداری**، انجمن حسابداری ایران، سال سوم، شماره ۹، ۱-۹.
۵. هشی، عباس، مظاهری فرد، کمیل (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین اندازه موسسه حسابداری و کیفیت حسابداری". **تحقیقات حسابداری و حسابداری**، انجمن حسابداری ایران، دوره ۴، شماره ۱۷، صص ۳۴-۵۱.
6. Behn, K.B., Choi, J.-H. and Kang, T. (2008), "Audit quality and properties of analyst earnings forecasts", **The Accounting Review**, Vol. 83, pp. 327-349.
7. Balachandran, S. and Mohanram, P. (2011), "Is the decline in the value relevance of accounting driven by increased conservatism?", **Review of Accounting Studies**, Vol. 16, pp. 272-301.
8. Balsam, S., Krishnan, J. and Yang, J.S. (2003), "Auditor industry specialization and earnings quality", **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, Vol. 22, pp. 71-97.
9. Banker, R., Huang, R. and Natarajan, R. (2009), "Incentive contracting and value relevance of earnings and cash flows", **Journal of Accounting Research**, Vol. 47 No. 3, pp. 647-678.
10. Barth, M.E., Beaver, W.H. and Landsman, W.R. (1998), "Relative valuation roles of equity book value and net income as a function of financial health", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 25 No. 1, pp. 1-34.
11. Barton, J., Hansen, T. and Pownall, G. (2010), "Which performance measures do investors around the world value the most – and why?", **The Accounting Review**, Vol. 85 No. 3, pp. 753-789.
12. Brown, S., Lo, K. and Lys, T. (1999), "Use of R² in accounting research: measuring changes in value relevance over the last four decades", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 28, pp. 83-135.
13. Chang, J. (1999), "The decline in value relevance of earnings and book values", working paper, Harvard University, Boston, MA.
14. Collins, D.W., Maydew, E.L. and Weiss, I.S. (1997), "Changes in the value-relevance of earnings and book values over the past forty years", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 24, pp. 39-67.

15. Collins, D.W., Pincus, M. and Xie, H. (1999), "Equity valuation and negative earnings: the role of book value of equity", **The Accounting Review**, Vol. 74 No. 1, pp. 29-61.
16. DeAngelo, L.E. (1981), "Auditor size and audit quality", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 3, pp. 183-199.
17. Dhaliwal, D., Subramanyam, K.R. and Trezevant, R. (1999), "Is comprehensive income superior to net income as a measure of firm performance?", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 26 No. 1, pp. 43-67.
18. Dunn, K.A. and Mayhew, B.W. (2004), "Auditor industry specialization and client disclosure quality", **Review of Accounting Studies**, Vol. 9, pp. 35-58.
19. Francis, J. and Schipper, K. (1999), "Have financial statements lost their relevance?", **Journal of Account Research**, Vol. 37, pp. 319-352.
20. Francis, J.R., Maydew, E.L. and Sparks, H.C. (1999), "The role of Big 6 auditors in the credible reporting of accruals", **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, Vol. 18, pp. 17-34.
21. Harris, T.S., Lang, M. and Moller, H.P. (1994), "The value relevance of German accounting measures: an empirical analysis", **Journal of Accounting Research**, Vol. 32 No. 2, pp. 187-209.
22. Healy, P. and Lys, T. (1986), "Auditor changes following Big eight takeovers of non-Big eight audit firms", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 5 No. 4, pp. 251-265.
23. Holthausen, R.W. and Watts, R.L. (2001), "The relevance of the value-relevance literature for financial accounting standard setting", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 31, pp. 3-75.
24. Kinney, W. and Martin, R. (1994), "Does auditing reduce bias in financial reporting? A review of audit-related adjustment studies", **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, Vol. 13, pp. 149-156.
25. Krishnan, V.K. (2005), "The association between Big 6 auditor industry expertise and the asymmetric timeliness of earnings", **Journal of Accounting, Auditing and Finance**, Vol. 20, pp. 209-228.
26. Lee Hsien-Li and Hua Lee(2013)." DO big 4 audit firms improve the value relevance of earning and equity? ", **managerial auditing journal**, Vol.28 No 7, PP628-646.
27. Lev, B. (1997), "The boundaries of financial reporting and how to extend them", working paper, New York University, New York, NY.
28. Lev, B. and Zarowin, P. (1999), "The boundaries of financial reporting and how to extend them", **Journal of Accounting Research**, Vol. 37, pp. 353-385.
29. Libby, R. (1995), "The role of knowledge and memory in audit judgment", in Ashton, R.H. and Ashton, A.H. (Eds), **Judgment and Decision Making Research in Accounting and Auditing**, Cambridge University Press, New York, NY.
30. Lo, K. and Lys, T. (2001), "Bridging the gap between value relevance and information content", working paper, University of British Columbia, Vancouver, BC.
31. Ohlson, J.A. (1995), "Earnings, book values, and dividends in equity valuation", **Contemporary Accounting Research**, Vol. 11, pp. 661-687.

32. Palmrose, Z.-V. (1988), "An analysis of auditor litigation and audit service quality", **The Accounting Review**, Vol. 63, pp. 55-73.
33. Ramesh, K. and Thiagarajan, R. (1995), "Inter-temporal decline in earnings response coefficients", working paper, Northwestern University, Evanston, IL.
34. Reynolds, J.K. and Francis, J.R. (2000), "Does size matter? The influence of large clients on office – level auditor reporting decisions", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 30 No. 3, pp. 375-400.
35. Watts, R.L. and Zimmerman, J.L. (1983), "Agency problems, auditing, and the theory of the firm: some evidence", **Journal of Law and Economics**, Vol. 26, pp. 613-634.





Relationship between the audit quality and the value relevance of earnings and the book value of equity by looking at the ranking of trusted auditing institutions of Tehran Securities and Exchange

Shahnaz Mashayekh (PhD) ©¹

Associate Professor of Alzahra University, Iran

Zahra Shams²

Ph.D. Student of Accounting of Alzahra University, Iran

(Received: 12 January 2016; Accepted: 30 May 2016)

The purpose of this study is to investigate the relationship between the audit quality and the value relevance of accounting items such as profit and book value of equity. To this end, the association with the value relevance of the earnings and the book value of the equity of the companies audited by trusted auditors (ranked A in the ranking of the Tehran Stock Exchange) and other companies is compared. In this regard, two separate samples are used. The first sample includes 110 companies that audited by auditors rated A , and the second sample includes 82 companies audited by other trusted institutions. The results indicate that the announcement of earnings and book value of capital in the case of companies that are audited by trusted auditor will create more fluctuations in their returns than other companies. As a result, information about earnings and the book value for companies with higher audit quality is more valuable than other companies. The results of this study show that auditing by auditors ranked A increases the value relevance of companies.

Keywords: Auditing, Value Relevance, Earning, Equity, Capital Market.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ sh.mashayekh@alzahra.ac.ir © (Corresponding Author)

² shams_z99@yahoo.com